

گفت‌وگو

پروفسور «دانیل تاوانی»، استاد اقتصاد دانشگاه کلرادو آمریکا:

دو سال دیگر آثار رشد مثبت اقتصاد ایران را خواهید دید



پروفسور «دانیل تاوانی»، استاد اقتصاد و مدیر تحصیلات تکمیلی در دانشگاه کلرادو آمریکا، معتقد است معمولاً رشد اقتصادی مثبت با سرمایه‌گذاری اضافی همراه است و سرمایه‌های اضافی نیز فرصت‌های شغلی بیشتری را برای نیروی کار یک کشور به ارمغان می‌آورد و اثرات آن ظرف یک یا دو سال در

اقتصاد احساس خواهد شد. او دارای دکترای اقتصاد از مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی و دکترای اقتصاد سیاسی از دانشگاه سایپنزی رم است. تحقیقات وی بر رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد و ثروت و تعامل بین نهادهای بازار کار، توزیع درآمد و تغییرات تکنولوژیک متمرکز است. او همچنین در مطالعات خود بر نقش بخش عمومی در سیاست بلندمدت و اثرات توزیعی آن و تعاملات اجتماعی، ضریب‌های اجتماعی و عملکرد اقتصادی تأکید دارد. تحقیقات او در خصوص اصطلاح رکود سکولار، توجهاتی را معطوف به خود ساخته است. وی همچنین دستیار سردبیر مجله بررسی اقتصاد اجتماعی، مجله بررسی‌های اقتصادی، بررسی اقتصاد کینزی و بررسی اقتصاد سیاسی است. کتاب مشترک «تاوانی» با عنوان «رشد و توزیع» که توسط انتشارات دانشگاه هاروارد منتشر شده، از آثار اخیر وی به شمار می‌رود. این کتاب در مورد نظریه رشد است و تا حدی به عنوان پاسخی به بحران‌های جدید و عمیق‌تری که اقتصادهای سرمایه‌داری در سرتاسر جهان با آن مواجه هستند، با قرار دادن توزیع درآمد و ثروت و همچنین تغییرات فنی در خط مقدم تحلیل رشد در اقتصادهای معاصر است.

• سوال اصلی شما در کتاب «رشد و توزیع» که توسط انتشارات دانشگاه هاروارد منتشر شده چیست؟ فرضیه اصلی شما در این کتاب چه بوده است؟

این کتاب در مورد تئوری، اندازه‌گیری، و تاریخچه رشد اقتصادی، با مطالب جدید در مورد تغییرات آب و هوا، سرمایه‌داری شرکتی و نوآوری است. این اثر رویکردهای کلاسیک و کینزی را به نظریه رشد، به موازات رویکردهای نئوکلاسیک ارائه می‌کند و مخاطب را با ابزارهای پیشرفته تحلیل اقتصادی بین‌زمانی از طریق روش‌های توسعه‌یافته رشد محدود از نظر منابع آشنا می‌کند. این کتاب همچنین امور مالی شرکت‌ها، تأثیر بدهی‌های دولتی و سیستم‌های تأمین اجتماعی، تئوری‌های تغییرات فنی درون زا، پیامدهای تغییرات آب و هوایی را نیز پوشش می‌دهد. در واقع این کتاب یک کتاب آموزشی است که هدف آن، آشنایی دانشجویان پیشرفته مقطع کارشناسی با مطالعه رشد اقتصادی و توزیع درآمد و ثروت است. ویژگی آن این است که نه تنها رویکرد استاندارد نئوکلاسیک را ارائه می‌کند، بلکه پیشتر بر رویکرد کلاسیک مارکسی و رویکرد پساکینزی متمرکز دارد. این کتاب یک تحلیل بسیار روشن از رویکردهای جایگزین برای نظریه توزیع و رشد است. در حالی که توجه به رویکرد کلاسیک مدرن، برگرفته از تحلیل‌های استادان قدیمی از آدام اسمیت گرفته تا ریکاردو و مارکس، متمرکز است، نظریه‌های کینزی، نئوکلاسیک سنتی و رشد «جدید» نیز تا حدودی به طور عمیق در این کتاب بررسی می‌شوند. این کتاب به مسائل مهم منابع تجدیدپذیر، تمام‌شدنی، پول و رشد می‌پردازد، موضوعاتی که اغلب در ادبیات مربوطه نادیده گرفته می‌شوند. علاوه بر این، به شیوه‌های روشن‌تر مسائل سیاسی بحث برانگیز تأثیر بدهی دولت و سیستم‌های تأمین اجتماعی بر رشد و سرعت تغییرات فنی را مورد بحث قرار می‌دهد. به صورت کلی، کار تحلیلی با مطالعات تجربی اثبات می‌شود. یکی از بحث‌های اصلی کتاب این است که این مدل‌های رشد مختلف در واقع ساختار مشترکی دارند، اما به دلیل نحوه بسته شدن یا پارامتری شدن مدل‌های مربوطه، متفاوت هستند. این منجر به پیامدهای سیاسی متفاوت در پارادایم‌های مختلف رشد می‌شود. علاوه بر این، این کتاب با مجموعه داده‌ای به نام جدول‌های جهانی قلم توسعه‌یافته ارائه می‌شود که برای مطابقت با متغیرهای اقتصادی مختلف مورد استفاده در کتاب ساخته شده است و مخاطب را درگیر تمرین‌های تجربی می‌کند.

• با توجه به تجارب و مطالعات شما، اگر یک اقتصادپس از یک دوره چند ساله رشد منفی یا صفر شروع به رشد مثبت کند، چقدر زمان نیاز است تا اثرات مثبت آن ظاهر شود؟ در همین اقتصاد که یک دهه رشد نزدیک به صفر را تجربه کرده است، چه زمانی آثار مثبت رشد اقتصادی برای مردم محرز می‌شود؟

پاسخ به این سوالات آسان نیست. معمولاً رشد اقتصادی مثبت با سرمایه‌گذاری اضافی همراه است و سرمایه‌های اضافی فرصت‌های شغلی بیشتری را برای نیروی کار یک کشور به ارمغان می‌آورد. این اثرات باید ظرف یک یا دو سال احساس شود. بر این اساس، در وهله اول باید توجه داشت که رشد مثبت با سرمایه‌گذاری ارتباط دارد و اگر چنین باشد، زمان لازم برای اینکه مردم آن را احساس کنند زیاد نبوده و ظرف یک یا دو سال قابل مشاهده خواهد بود.

• در اقتصاد مبتنی بر نفت که به تدریج سهم نفت‌رادر بودجه خود کاهش می‌دهد، چه راهکار جایگزینی برای دستیابی به رشد‌های مثبت مستمر را پیشنهاد می‌کنید؟

این اقتصاد باید از سرمایه‌گذاری مستقیم عمومی یا پارانه به شرکت‌های خصوصی برای تسهیل گذار در استفاده از سوخت‌های فسیلی استفاده کند. لذا نقش سرمایه‌گذاری مستقیم عمومی در این اقتصاد حائز اهمیت است و با تشویق بخش خصوصی می‌توان به اقتصاد بدون نفت دست یافت.

• برای جلوگیری از جریان رشد منفی اقتصادی و بازگرداندن آن به سطوح مثبت، چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟

فکر نمی‌کنم هیچ اقتصاددانی به هیچ کشوری توصیه کند که استراتژی رشد منفی را دنبال کند. اقتصادی که رشد نمی‌کند، ناچار است ناآرامی اجتماعی، فقر و بحران را تجربه کند. لذا داشتن رشد اقتصادی می‌تواند از چنین نتایجی جلوگیری کند.



عکس: ایرنا

حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در تحلیلی ارائه کرد

چگونه بانک درگیر ناترازی می‌شود؟

دارایی‌های موهوم و منجمد از علل بروز ناترازی در نظام بانکی است

خوانده شد.

به عنوان کسی که هم با نظام بانکی و هم با مسائل فقهی و پولی آشنا هستم عرض می‌کنم، بانکداری اسلامی، نوعی از بانک است که نماینده واقعی واقعیت‌های موجود در بازار واقعی کالا و خدمات باشد. شکاف و فاصله نداشته باشد و انعکاس آن چیزی که در حقیقت بازار کالا و خدمات می‌گذرد را بتوانیم در بانک ببینیم، اما چه زمانی این اتفاق می‌افتد؟ است که از سوی دولت در هر دوره و چه از سوی مجلس، بدون تناسب با ظرفیت توان اعتباری بانک‌ها مطرح می‌شود که در پی آن، کمبود نقدینگی به دلیل دارایی‌های منجمد، انباشت مطالبات غیر جاری، بدهی‌های بازپرداخت نشده دولت و سرمایه‌گذاری‌های کم‌بازده شکل می‌گیرد. این موارد دلایل جدی است که منشاء پیدایش ناترازی شده است. می‌خواهم بر یک نکته کلیدی که قبلاً نیز به آن اشاره کرده‌ام، تأکید کنم. مهم‌ترین علت ناترازی‌ها را کیفیت نرخ سود بانکی می‌دانیم. مدیران، اعضای هیات‌مدیره بانک‌ها، کارکنان بانک‌ها و سایر صاحب‌نظران در نظر داشته باشند که چرخه‌ای که برای سود بانکی در نظر گرفته شده، چرخه معیوب و مولد ناترازی است.

بانکداری باید تابعی از وضعیت اقتصاد واقعی بازار کالا و خدمات باشد. بانکداری بخش پولی است، اما باید یک ارتباط تنگاتنگ با بازار کالا و خدمات داشته باشد. منافع سهامداران و سپرده‌گذاران بانک باید مشتق و برآمده از سود ناشی از تولید و تجارت در بازار واقعی کالا و خدمات باشد. حال این چرخه معکوس شکل گرفته است. به سپرده‌گذار گفته می‌شود درصدی به عنوان سود پرداخت می‌شود و در واقع وعده سود علی‌الحساب داده می‌شود، ولی بزرگترین خطا در اینجا اتفاق افتاد. از ابتدا در آیین‌نامه مصوب شورای پول و اعتبار تأکید شد که بانک‌ها می‌توانند به سپرده‌گذاران وعده سود علی‌الحساب بدهند، اما در قانون عملیات بانکی بدون ربا چنین چیزی نیامده بود. این اشتباهی بود که اتفاق افتاده بود که اکنون نیز شاهد آن هستیم و به پاشنه آشیل بانکداری اسلامی تبدیل شده است.

ممکن است گفته شود تمام مشکلات بانکی طی این ۴۰ سال ناشی از کارکرد و عملکرد بانکداری اسلامی است، اما این مشکل ناشی از جهالت است. بانکداری اسلامی کجا آنچنان که باید و شاید پیاده شده که بگوییم این حاصل عملکرد بانکداری اسلامی است؟ با اعمال سود علی‌الحساب، فاتحه بانکداری بدون ربا

آیا به کسانی که اعتبار داده، توانایی برگرداندن اصل و منافع حاصل از آن را نداشته‌اند و یا نداشته‌اند؟ اگر بانک این کار را انجام داده باشد، موفقیت کار در سود بروز می‌کند و آن سود به سود تولید و تجارت تبدیل می‌شود.

آیا معمولاً بنگاه‌ها در بازار کالا و خدمات سالانه با زیان روبه‌رو می‌شوند یا بالای ۹۰ درصد سودی می‌کنند؟ البته سود واقعی و حقیقی باید بررسی شود، چون سود کمتر از نرخ تورم که اصلاً سود حساب نمی‌شود.

اگر بنگاه‌ها سود واقعی می‌کنند، چرا بانک نباید از این سود واقعی بهره‌مند شود؟ چون به سپرده‌گذار وعده داده بنا بر اقتصادیات شورای پول و اعتبار، درصدی را به او خواهد پرداخت. این باید اجرا شود و چرخه باید این باشد. اما امروز چرخه اینگونه نیست و چرخه از سود سپرده شروع می‌شود. به سپرده‌گذاران گفته می‌شود در بانک سپرده‌گذاری کنید و فلان درصد سود بگیرید، اما این سودی که تعهد می‌کنیم، هزینه پول می‌شود.

در نظام بانکداری اسلامی، پول هزینه ندارد. هزینه پول در بانکداری بدون ربا صفر است. این هزینه از کجا ناشی می‌شود؟ بانک با پرداخت سود به سپرده‌گذاران، قدم اول در ایجاد هزینه را برداشت و برای خود نیز هزینه ایجاد کرد. مکرر از زیان مدیران عامل بانک‌ها یا کارکنان بانک‌ها شنیده‌ام که هزینه پول در نظام بانکی ما سنگین است. اصلاً هزینه پول به معنای بهره است و هزینه چیزی جز بهره نیست. در نظام بانکی بدون ربا، بهره وجود ندارد، بنابراین هزینه پول هم نباید وجود داشته باشد. شاید برسید پس سپرده‌گذاران از کجا منتفع شوند؟ از سود تولید و تجارت می‌توانند بهره‌مند شوند. پس ابتدا باید بررسی کنیم در تولید و تجارت چه اتفاقی افتاده است؟ سود کرده یا نکرده است؟ آیا بانک در شناسایی افراد شایسته برای تخصیص اعتبار درست عمل کرده است؟

جریسه عدم بازپرداخت



باید به سیستم بانکداری اسلامی بازگردیم

تمام همت بانک این است که حتی با نرخ‌های متفاوت و اعطاء امتیاز بیشتر، از صاحبان منابع و نقدینگی‌های بزرگ، سپرده‌های جدیدی اخذ کند. اما این منابع به چرخه تولید و تجارت نرفته و وارد اقتصاد نمی‌شوند که وجود این مسئله، بزرگترین علت ناترازی نظام بانکی ما بوده و لازم است که به بانکداری اسلامی برگردیم. این مسائل ناشی از فاصله گرفتن از بانکداری اسلامی و درست عمل نکردن به سیستم بانکداری بدون ربا است.

باید به سیستم بانکداری اسلامی بازگردیم

تمام همت بانک این است که حتی با نرخ‌های متفاوت و اعطاء امتیاز بیشتر، از صاحبان منابع و نقدینگی‌های بزرگ، سپرده‌های جدیدی اخذ کند. اما این منابع به چرخه تولید و تجارت نرفته و وارد اقتصاد نمی‌شوند که وجود این مسئله، بزرگترین علت ناترازی نظام بانکی ما بوده و لازم است که به بانکداری اسلامی برگردیم. این مسائل ناشی از فاصله گرفتن از بانکداری اسلامی و درست عمل نکردن به سیستم بانکداری بدون ربا است.

جریسه عدم بازپرداخت

تسهیلات نیز به صرفه است. با همه این مسائل، باز هم به شیوه اشتباه ادامه می‌دهیم که به زیان بانک است و باعث ناترازی می‌شود.

وقتی این منابع بر نمی‌گردد، بانک با کمبود منابع، نقدینگی و مسئله نقدشوندگی روبه‌رو می‌شود. تمام همت بانک این است که حتی با نرخ‌های متفاوت و اعطاء امتیاز بیشتر، از صاحبان منابع و نقدینگی‌های بزرگ، سپرده‌های جدیدی اخذ کند. اما این منابع به چرخه تولید و تجارت نرفته و وارد اقتصاد نمی‌شوند که وجود این مسئله، بزرگترین علت ناترازی نظام بانکی ما است و لازم است که به بانکداری اسلامی برگردیم. این مسائل ناشی از فاصله گرفتن از بانکداری اسلامی و درست عمل نکردن به سیستم بانکداری بدون ربا است.

بانکداری اسلامی اقتضا می‌کند که بانک در تولید و تجارت مشارکت داشته باشد و از این مشارکت نیز سهم خود را مطابق با آنچه در واقع اتفاق افتاده دریافت کند. نمی‌خواهم بگویم بانک از عقود مشارکتی در اینجا باید استفاده کند، ولی اگر از عقود مضاربه‌ای هم استفاده و منافع کسب می‌کند، باید تابع وضعیت بازار کالا و خدمات باشد، نه اینکه با ایجاد یک نرخ جعلی فعالیت کند. باید پرسید که این نرخ از کجا آمده است و منطقی آن چیست؟ این نرخ‌ها حاصل تصمیمات شورای پول و اعتبار و نگاه به این است که هزینه‌ها نباید بالا برود. البته کنترل هزینه‌ها از یک جهت حرف درستی است، ولی اگر این چرخه درست شود آنگاه پولی که هزینه ندارد، دچار هزینه جدید هم نمی‌شود. پس باید این مسئله در نظام بانکی اصلاح شود و راه اصلاح و خروج از ناترازی بانک‌ها نیز همین است.

موضوع دوم مسئله هدایت اعتبار است. سوال این است که هدایت اعتبار یعنی چه؟ ما یک منابعی در بانک‌ها و موسسات اعتباری داریم که نیازمند هدایت است. رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده که نیازمند نقشه صنعت کشور هستیم که وزارت صمت باید تهیه کند و ارائه نماید. در زمینه بخش کشاورزی نیز باید به همین نحو عمل شود. اینکه بهترین زمین‌ها برای کشت برنج در شمال و بهترین‌ها برای کشت گندم نیز در فارس، خوزستان و برخی استان‌های دیگر است، یعنی اینکه باید جاهایی سرمایه‌گذاری صورت بگیرد که با بازدهی بیشتری روبه‌رو شود که این می‌شود هدایت اعتبار.

زمانی هدایت اعتبار معنا پیدا می‌کند که بانک‌ها بر مصرف منابع نظارت داشته باشند و اعتباری که به یک بنگاه داده می‌شود، باید مبتنی بر اعتبارسنجی باشد. تا اعتبارسنجی نشان ندهد که به چه کسی و تا چه حدی باید اعتبار داده شود، کار معنایی ندارد. می‌توان یک حساب مشترک بین بانک و گیرنده تسهیلات ایجاد کرد، سپس منابع را در این حساب مشترک واریز کرد و هر چقدر که درآمد به دست آمد در این حساب مشترک واریز کرد.

اکنون که نظارت به صورت الکترونیکی صورت می‌گیرد، بانک‌ها می‌توانند بر محل مصرف تسهیلات پرداختی نظارت داشته باشند. یک زمانی منابع بانکی را به صورت تبعیض‌آمیز قیمت‌گذاری می‌کردند و می‌گفتند به بخش کشاورزی ۱۱ درصد، بخش صنعت ۱۵ درصد، بخش تجارت ۲۴ درصد، منابع اختصاص یابد.

همان زمان گفتیم این همه منابعی که به بخش کشاورزی رفت، اگر در فلان بخش هزینه و سرمایه‌گذاری شده بود، باید صادرکننده محصولات کشاورزی می‌شدیم، اما نشدیم، زیرا به جا مصرف نشده بود. بنابراین هدایت منابع اولاً به معنای رعایت کردن اولویت‌ها در اقتصاد ملی و سپس نظارت کردن بر مصرف وجوه است.

در زمینه فعالیت قرض‌الحسنه‌ها، یکی از افتخارات این است که قرض‌الحسنه‌های ما با نكول عدم پرداخت روبه‌رو نیستند، یعنی منابع خُرد که تأمین می‌شود با نكول مواجه نمی‌شود. نكول تأخیر که قبلاً ۱،۸ درصد بود، ظاهراً اکنون به زیر یک درصد رسیده که آن هم نكول تأخیر است که البته قابل اغماض است.